

در شماره سوم نشر دانش مقاله‌ای تحت عنوان «لطائف التفسیر» درج گردید که در آن به معرفی یکی از مهمترین تفاسیر قرآن به زبان فارسی و اهمیت آن و مؤلف و مذهب آن و همچنین تصحیح این تفسیر که توسط آقای عباس ماهیار و احمد شریعتی انجام می‌گیرد پرداخته شده بود. در انتهای مقاله نویسنده از خوانندگان تقاضا کرده بود که در صورتی که به نسخه‌های دیگری از این تفسیر دسترسی پیدا کرده‌اند به مصححان معرفی کنند. مقاله آقای دانش پژوه که ذیلاً درج می‌شود در اجابت به این خواهش نوشته شده است.

ن. د.

امامی است که برای ما باز مانده است. به گواهی نوشته دانشمند گرامی تقی بینش در نامه آستان قدس (۴: ۴۴ تا ۵۱ و ۵: ۵۰ تا ۵۶) آنچه به چاپ رسیده است با نسخه‌های کهن سده ششم یکی نیست و تصرفاتی که نویسندگان نسخه‌ها در آن کرده‌اند، در آن آشکار است. این تفسیر را باید از نو از روی نسخه‌های دیرینه که در تهران و تبریز و مشهد و جاهای دیگر هست و عکس بیشتر آنها در کتابخانه مرکزی فراهم آمده است، یک بار دیگر با دست کسانی که زبان و دستور زبان فارسی و تاریخ آن را بدانند و از دانشهای قرآنی آنچنان که دروازجکی در آغاز تفسیر خود گفته است آگاه باشند تصحیح و چاپ کرد. داستان چاپ نخستین تفسیر رازی در همان نامه آستان قدس و پایان تفسیر گازر گرگانی به قلم شادروان محدث ارموی آمده است.

باری، «تفسیر دروازجکی» میان ایرانیان فارسی زبان حنفی سرزمین خراسان و کشور عثمانی و جاهای دیگر شهرتی داشته و نسخه‌های بسیاری از آن در کتابخانه‌های جهان هست. این تفسیر یکی از مأخذهای اجتهادی فقیهان حنفی نیز به شمار می‌آمده چنانکه چلبی در کشف الظنون (۱: ۳۰۹) می‌نویسد در ترغیب-الصلاة نام آن آمده و در «مجموعه مسائل فقهیه» که در فهرست فرانسوی «اب بورکوی» برای کتابخانه‌های افغانستان (ص ۱۶۷) یاد شده است هم نام این تفسیر هست. دور نیست اگر کسی به دفترهای کلان فقهی حنفی و کتابهای فتاوی و واقعات و نوازل حنفیان در کتابخانه‌های جهان بگردد، به نام آن بر بخورد.

نسخه‌های خطی لطائف التفسیر

آقای احمد منزوی در فهرست گنج بخش (ص ۵۵-۵۷) از هفت نسخه این تفسیر یاد کرده که دو تای آنها را به ثلث خوش ترکستانی از سده ۷ و ۸ و سه دیگر را به همان ثلث از سده ۸ و چهارمی را از سده ۹ و ۱۰ و پنجمی را نوشته ۱۰۶۳ و ششمی را

امام زاهد استاد ابونصر احمد فرزند حسن فرزند احمد ذریبی سلیمانی دروازجکی بخارایی در گذشته ۵۴۹ چنانکه در آغاز برخی از نسخه‌های کتابخانه‌ها مانند ملك و سنا و تاشکند و فاتح می‌بینیم در روز نهم ماه شوال سال ۵۱۹ در بخارا املاء تفسیر خود را که در برخی جاها لطایف العرفان خوانده شده است آغاز کرده و خواسته که در آن «شرح معانی و بیان مجمل و مفسر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و وعد و وعید و امر و دلیل آن و نهی و نزول آن و قصص و نظم» آن را به صورت گزیده و کوتاه بیاورد و خوب هم از این کار خجسته برآمد و شاید در همین سالها بوده است که دانشمند شیعی امامی ابوالفتوح رازی نیز به چنین کاری دست پازیده و می‌توان گفت که بهتر از دروازجکی از عهده کار برآمده است.

با اینکه از سال ۱۳۱۳ هجری قمری و پس از آن تفسیر ابوالفتوح چندین بار چاپ شده است، افسوس هنوز که هنوز است ما خود تفسیر او را در دست نداریم، با اینکه تنها تفسیر دیرینه شیعی

تفسیر دروازجکی

محمد تقی دانش پژوه

از سده ۱۱ و هفتمی را از سده ۱۱ دانسته است، در فهرست آقای تسییحی (۳: ۸۹-۹۳) از سه تایی اینها یاد شده که عکس دوتایی آنها اکنون در دسترس کسانی است که می‌خواهند آن را نشر کنند. در دو فهرست استوری به انگلیسی (۱: ۴ و ۱۱۹۰) و بریگل به روسی (۱۰۸ و ۱۳۳۰) و فهرست نسخه‌های خطی فارسی احمد منزوی (ص ۱۶) یاد چند نسخه‌ای هست؛ همچنین در فهرست فیلمهای دانشگاه تهران (۱: ۱۷۵ و ۲: ۱۹۶) و مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (ش ۵۲: ۱۶۹).

در اینجا از چند نسخه‌ای که خود در ایران و بیرون ایران دیده‌ام و یا در فهرستها به آنها برخورده‌ام یاد می‌کنم:

۱- شماره ۲۱۲۲ کتابخانه جامع شهر یزد به نسخ ترکستانی گویا از سده ۷ و ۸ در ۲۸۳ برگ که نیمه نخستین است و از سوره اعراف تا پایان سوره کهف که آن را کهنتر از نسخه‌های دیگر می‌توان پنداشت.

این نسخه را من در یزد دیده و نشناخته بودم و ناگزیر در گزارشم به دانشگاه تهران در نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی (۴: ۳۸۷) از آن به نام «تفسیر» یاد کردم و نمونه‌هایی نیز از آن در آنجا گذاردم تا مگر کسی آن را باسنجیدن با نسخه‌های دیگر بتواند بشناسد. فیلمی هم از آن برداشتم و در فهرست فیلمها (۱: ۵۴ ش ۲۴۳۲) (عکس ۵۷۸۷) یاد آن هست. نسخه همانست که آقای محمد شیروانی در فهرست آن کتابخانه (۲: ۴۶۶ ش ۵۴) به نام «تفسیر قرآن» یاد کرده است.

در این روزها که برای یافتن نسخه‌های خطی تفسیر دروازجکی و برشمردن آنها به فهرستهای گوناگون به چندین زبان رجوع کردم، به این اندیشه افتادم که خوب است به دنبال تفسیرهای ناشناخته هم رفت و آنها را با سنجش با نسخه‌های شناخته شده بازشناخت. یکی از آنها همین نسخه یزد است که به همین روش مانند نسخه‌های تفلیس و کابل و مجلس شناختم. این یکی را با نسخه فاتح سنجدیم و آن دو را یکی یافتم با اندکی جدایی همچون عبارت «قال الشيخ الامام الزاهد» که در آغاز نسخه فاتح در سوره کهف هست و در نسخه یزد هست. خواهیم دید که در دو نسخه بنگال و موزه کابل چنین عبارتی نیست. این گونه یاد کردن را دوراه است: یکی آنکه تفسیر را دروازجکی املاء می‌کرده و شاگردان می‌نوشته‌اند و دور نیست که همانها می‌نوشته‌اند که «خواجه چنین و چنان گفته است» دیگر اینکه در کتابهای پیشینیان در بسیاری از جاها می‌خوانیم که نگارنده از سوی خود می‌نویسد که «او گفته است» نه اینکه بگوید «من

می‌گویم». در کتاب فصل ابن حزم و الفرق المفترقه عراقی به چنین مطالبی برخورده‌ام.

۲- شماره ۱۲۱۵۰ (۹۴۳۱) کتابخانه مجلس شورای تهران به نسخ درشت ترکستانی در متن و ریز در تفسیر، عنوان و جدول شنگرف در ۴۸۹ برگ وزیری، آغاز افتاده. از آیت «وآمنوا بما انزلت مصدقالما معکم ... وایای فارهون» در سوره بقره (۲) آیت ۴۰ تا پایان سوره انفال با تاریخ ۷۶۱ با یاد کردن نام نویسنده نسخه «ابن مسعود علی» در پایان سوره بقره و با تاریخ ۷۷۱ در پایان انفال.

این نسخه را با نسخه ملك سنجدیم و دیدم که بسیار به هم نزدیکند. بندهای عربی در تفسیر جای جای آمده است. نیز بندهای «فان قیل - قلنا» زیر آیتها ترجمه‌ای نیست، شعر عربی دارد. همچنین «قال القطبی، قال القفال» در آن دیده می‌شود.

۳- شماره ۱۲۹۸ (۸۷۷۸۹) همانجا به نسخ هندی درشت در متن و ریز در ترجمه زیر آیتها و در تفسیر گویا از سده ۸ و ۹، نامهای کسان و جدول شنگرف، آغاز و انجام افتاده. از آیت ۳۷ سوره احزاب (۳۳) تا آیت ۴ سوره تحریم (۶۶) در کاغذ هندی موریانه خورده، به اندازه وزیری. این نسخه را با نسخه ملك سنجدیم و آن دو را نزدیک به هم دیدم مگر اینکه جداییها با آن دارد با کم و کاستیها و افزونیها، ولی در اینکه این هم تفسیر دروازجکی است گویا نباید تردید داشت. بندبند در آن هست با عنوان «قوله» و جای جای در تفسیر فارسی بندهای عربی هست. ترجمه‌های فارسی زیر آیتها را تنها در این نسخه دیده‌ام.

از دوست بزرگوار و دانشمند آقای عبدالحسین حایری که این دو نسخه را بی‌دریغ به من نشان و اجازه داده است که از چند صفحه آنها عکس بردارم و آنها را با نسخه دیگر بسنجم بسیار سپاسگزارم.

۴- شماره ۲۱۸ و ۲۱۹ کتابخانه ملك در تهران به نسخ آراسته و زرین سده ۸ و ۹ در دو مجلد ۲۲۵ و ۲۹۰ برگ رحلی در دو نیمه و انجام نخستین نانوشته مانده و انجام دومین در سوره ناس افتاده و تاریخی در آن ندیدم. نسخه بسیار خوبی است و نباید از آن گذشت. در فهرست دانشگاه (۱۰: ۱۶۲۲) از آن یاد کرده‌ام.

۵- شماره ۱۳۸۷ کتابخانه مجلس سنای پیشین (۱۸۳۸۵) که در فهرست آنجا (۲: ۲۴۲) از آن یاد کرده‌ام و فیلم آن هم در دانشگاه به شماره ۴۲۳۶ هست. در آغاز آن نام دروازجکی هست و با نسخه فاتح و تاشکند یکی است. این نسخه همانست که نگارنده مقاله «لطائف التفسیر» در نشر دانش (۲: ۳ ص ۷۱) گویا چون نه

خود نسخه را دیده و نه به عکس آن درست نگریسته بود درباره آن داوری شتابزده ای کرده و سخنی نادرست گفته است.

۶- شماره ۵۹۲ بنیاد نسخه های خطی فرهنگستان شهر تفلیس که من آن را در آنجا دیده ام و شناخته بودم و ناگزیر در گزارشم به دانشگاه در نشریه کتابخانه مرکزی (۸: ۲۲۸) از آن به نام «تفسیر» یاد کردم آغاز و انجام آن افتاده و از سوره بقره است تا سوره یونس و نوشته شده که جلد ۱ و ۲ است. آن را معین بدر در چاشت روز شنبه ۹ ج ۸۲۰/۲ نوشته است. من عکس آغاز و انجام آن را که فرهنگستان تفلیس برایم فرستاده بود در همان نشریه (۹: ۴۵۰ و ۵۰۵ و ۵۰۶) گذارده ام. این روزها توانستم آن دورا با نسخه فاتح بسنجم. یکی از آنها آغاز نسخه است آیت ۴ و ۵ سوره بقره برابر با برگ ۱۱ و ۱۲ عکس شماره ۴۶۷۳ از نسخه فاتح، دومی آیت ۲۶ تا ۴۹ سوره یونس و انجام نسخه برابر با برگ ۳۳۸ عکس شماره ۴۶۷۶ همان نسخه. من این دو نسخه را یکی یافتم ولی نسخه تفلیس بسیار کهنه تر و درشت تر از نسخه فاتح می نماید و باید در هنگام تصحیح این تفسیر آن را درست داشت.

۷- شماره ۲۶ آستان رضوی در طوس به نسخ نیمه روز دوشنبه ۲۸ ج ۸۲۹/۱، گویا کامل که با نسخه های سنا و فاتح و ملک یکی است. از فیلم آن در فهرست فیلمها (۱: ۱۷۵) ف ۱۳۹۸ ع ۳۹۳۴ یاد کرده ام.

۸- شماره ۳۰۳ کتابخانه فاتح در استانبول از سوره ۱ تا ۱۷ و نیمه نخستین و نوشته ۸۷۷ که فیلم آن در دانشگاه به شماره ۳۶۰۲ عکس ۴۶۷۳ هست (فهرست فیلمها ۲: ۱۹۶) استوری (۱: ۱۱۹) از قول هلموت ریتز در مجله فرهنگ خاوری Orientalische Literatur Zeitung (OLZ 1928/ 12 col 1123) از آن یاد کرده است. من این مجله را نتوانستم ببینم. در کارنامه ریتز در آغاز فیلولوژیکا هم ندیدم که او در چنین مجله چنین چیزی نوشته باشد. شاید در گفتار او در Der Islam سال ۱۹۲۸ دفتر ۱۷ ص ۲۴۹-۲۵۷ باشد، گرچه این را هم نتوانستم بیابم.

۹- شماره ۷۲ اوقاف احمدیه حلب از سده ۹ که نیمه نخستین است (فهرست نسخه های فارسی احمد منزوی ۷).

۱۰- شماره ۳۶۰۱ فرهنگستان تاشکند به نام بیرونی گویا نوشته ۹۶۵ که تاریخ یادداشت شعری است در نسخه و شماره ۲۶۸۱ آنجا از سده ۱۱ که در فهرست آنجا به روسی (۴: ۵۵ و ۵۶) ش ۲۸۷۰ و ۲۸۷۱) یاد آنها هست و عکس نخستین صفحه آن هم در این فهرست دیده می شود و در آغاز نام دروازجکی هست. ۱۱- نسخه کتابخانه رامپور هند نوشته بهاء الدین یوسف

غوری در ۹۸۰، مولینا حافظ نذیر احمد در روزنامه انجمن آسیایی بنگال در یادداشت های خود درباره نسخه های عربی و فارسی ارزنده یافت شده در کتابخانه های گوناگون هند به انگلیسی (۱۳: ۷۷-۱۱۹ سال ۱۹۱۷ و ۱۵: ۱۹۹-۲۵۶ سال ۱۹۱۸) از آن یاد کرده است (۱۵: ۱۲۲ ش ۸) سخن او را دیدم و خواندم تاریخ تألیف را ۵۱۹ می نویسد ولی تاریخ مرگ دروازجکی را ۶۵۸ که به نوشته استوری تاریخ درگذشت زاهدی دیگری است، می آورد و شاید از محبوب الالباب گرفته است. او برای آشنایی با نسخه های دیگر این تفسیر به همان محبوب الالباب فی تعریف الکتب و الکتاب ساخته و پرداخته خدا بخش بنیادگذار کتابخانه بانکپور هند چاپ ۱۳۱۴ حیدرآباد (دبیاچه ج ۱ استوری ص ۱۸) و به مجموعه حکومت هند بخش ۱ ص ۳ ش ۲۱۰ باز می گرداند. سند استوری هم درباره این نسخه همان گفته نذیر احمد است. محبوب الالباب را نیز دیری است که من در دنبالش هستم و نتوانستم در جایی آن را بیابم.

۱۲- شماره ۴۹ کتابخانه پیشاور سند با عنوان تفسیر زاهدی گویا نوشته ۹۸۰ از سوره ۱ تا ۱۸ و نیمه نخستین چنانکه در فهرست آنجا (ص ۱۵) یاد شده است (منزوی ۱۷).

۱۳- شماره ۱۹ تازه یافته کتابخانه شچدرین در شهر لنینگراد، بخش نخستین است از سوره ۱ تا ۵ نوشته ۳۰ ع ۱/ ۹۸۶ در ۵۲۲ برگ چنانکه در فهرست آنجا از بانو کاستیگوا و آقای بلدیرف به زبان روسی چاپ ۱۹۷۸ (ص ۲۰۹ ش ۶۰۶) آمده است.

۱۴- شماره Ph 128 دانشگاه قازان گویا از سده ۱۱ سوره های ۲۶ تا ۶۷ و ۸۵ تا ۸۷ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۷ تا ۹۹ و ۱۰۲ و ۱۰۵ تا ۱۱۴.

۱۵- شماره های ۲۵ و ۱۳۳ و ۱۳۲ و ۲۷۳ آصفیه هند بر روی هم کامل یکی نوشته ۱۰۷۰ (فهرست جدولی آنجا ۱: ۵۶۴- نشریه ۱: ۷۶).

۱۶- شماره های III 91 و I 210 انجمن آسیایی بنگال که ایوانف در مجلد دوم فهرست خود (ص ۲۴۳ و ۲۴۴ ش ۳۳۲ و ۳۳۳) آن دورا شناسانده است. نخستین آن دو نیمه یکم از سوره ۱ تا ۱۶ از سوره ۱۱ دومی نیمه دوم از سوره ۱۹ تا پایان قرآن و نوشته محمد اکرم در ۲۵ صفر ۱۱۲۱، در آغاز آن آمده است که دروازجکی آن را در نهم شوال ۵۱۹ در بخارا املاء کرده است. در هر دو نیمه «قال الشيخ الامام الزاهد، قال شيخ الاسلام الزاهدی» آمده است. ایوانف در این فهرست به هیچ فهرست دیگری باز

می‌باشد. دومین آنها از سوره مریم (۱۹) است آیت ۵۳ که برابر آن را در نسخه ملک ش ۲۱۹ روی برگ ۶۰ دیده‌ام. سومین آنها را نتوانستم بدانم که از کجای قرآن است تا بتوانم با نسخه دیگر برابر کنم.

پس این نسخه هم باید همان تفسیر دروازجکی باشد. با این بیست نسخه‌ای که برشمردم و هفت نسخه منزوی شماره آنها به ۲۷ می‌رسد. باز هم باید در فهرستها گشت. شاید تفسیرهای گمنام و ناشناخته‌ای هم باشد که با سنجش با نسخه‌های شناخته شده دانسته شود که همین تفسیر است چنانکه نسخه‌های مجلس و یزد و تفلیس را من با این گونه سنجش شناختم. در فهرست سمرقند از احراری و پولادی چاپ ۱۹۷۷ ص ۳۱ از «تفسیر نسخه قدیم» یاد شده است. در فهرست گنج-بخش منزوی (ص ۲۸-۲۱) و فهرست الفبایی لنینگراد (ص ۱۲۷) و جز اینها به تفسیرهای گمنامی برمی‌خوریم.

صورت صحیح نام مفسر

این را هم بگویم که سمعانی در انساب از «دروازقی» یاد کرده که از نام دیهی است در مرو، پس فارسی درست آن باید همان «دروازگ» باشد و می‌توان این دفتر را تفسیر دروازگی یا دروازگکی گرفته از «دروازگک» هم خواند. نسبت «درنی» که در نسخه‌های کهن دیده‌ام باید همان باشد که «دارانی، درنی» هم نوشته‌اند. مگر اینکه آن جز «داران» در نام ابوسلیمان دارانی عارف خواهد بود چه آن در دمشق است.

نسخه‌هایی که لطایف نامیده شده است

این را هم بگویم که در کتابخانه سنای پیشین نسخه‌ای است از سده هشتم به نام لطایف التفسیر (۱: ۲۵۰ ش ۱۴۱۵، فیلم ۴۲۲۳ دانشگاه) که گزیده گونه‌ای است از کشف الاسرار میبیدی با افزوده‌های سودمند بسیار. همچنین در کتابخانه دانشگاه لس‌آنجلس تفسیر اللطایف است بسیار نزدیک به آن که در فهرست آن کتابخانه در نشریه کتابخانه مرکزی (۱۱ و ۱۲: ۱۲ ش CI) شناسانده‌ام این دو با کوشش من و دو دوست دیگر در بنیاد قرآن نشر خواهد شد.

تفسیر گازر

ابوالمحاسن حسین گازرگرگانی را جلاء الانهان و جلاء الاحزان است که شادروان محدث ارموی آن را چاپ کرده و در

نمی‌گرداند. گویا در فهرستهای اروپایی یادی از این تفسیر نیست. ۱۷- نسخه کتابخانه بانکپور هند که در فهرست فارسی مرآت العلوم (۱: ۱۸) به شماره‌های ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ و در فهرست انگلیسی آنجا (۱۴: ۱-۳) به شماره ۱۱۱۲ و ۱۱۱۳ یاد شده و در دو مجلد است نوشته ۱۱۲۵ و ۱۱۲۲ و کامل است و شایسته است که از آنها بهره گرفته شود و وصف آنها در این دو فهرست هست. ۱۸- شماره C 1802 بنیاد خاورشناسی لنینگراد نوشته ۱۲۴۷ در ۲۴۲ برگ از سوره ۶۷ تا ۱۱۴، از فهرست الفبایی آنجا به زبان روسی (ص ۲۷۶) گویا برمی‌آید که تفسیر سوره‌های دیگری از آن (سوره ۹۳-۱۱۳) نه چنانکه از یادداشت برگ ۲۴۲ ب نسخه دانسته می‌شود از بحر موج نیست بلکه از مواهب علیه است. ۱۹- شماره ۲۹ کتابخانه خانقاه یا رباط مظهر در شهر مدینه روبروی بقیع که از سوره مریم است تا سوره ص که من در آنجا از آن آگاه شدم و در گزارشم به دانشگاه در نشریه (۵: ۵۳۰) از آن یاد کردم و بیش از این چیزی درباره آن نمی‌دانم.

۲۰- نسخه موزه کابل که من آن را در سال ۱۳۴۰ در سمینار نسخه‌های خطی که از سوی یونسکو در آن شهر برگزار شده بود دیده‌ام و در گزارشم به دانشگاه که در راهنمای کتاب (۱۰: ۵۲۲) چاپ شده است از آن یاد کرده‌ام. دانشمند کابلی آقای عبدالحی حبیبی نیز در مجله آرمانا (۳: ۳۰۳-۳۱۲) گفتاری درباره آن دارد و در فهرست «بورکوی» برای نسخه‌های خطی افغانستان (ص ۱۱۶) هم از آن یاد شده است ولی هنوز گویا ناشناخته مانده است. این تفسیر گرانبها همان گونه که نوشته‌ام از ابوالفتح رازی و شهفور اسفراینی و سورآبادی و نسفی و گازرگرگانی نخواهد بود و در آن از قفال چاچی (شاشی) نام برده شده و از امام زاهد که همانا خود مؤلف است که از خود یاد می‌کند مانند برخی از نگارندگان دیگر و یا اینکه چون املاء است شنوندگان در نسخه‌های خود چنین می‌نوشته‌اند.

این نسخه در سه مجلد است از آغاز و انجام افتاده. نخستین آن از آیت ۹۰ سوره آل عمران است تا آیت ۷۵ سوره اعراف، دومی از آیت ۱۷۶ همین سوره است تا آیت ۵۸ نمل، سومی از آیت ۶۱ همین سوره تا آیت ۱۷ سوره قمر.

آقای حبیبی سه بند فارسی این تفسیر را نمونه‌وار آورده و نوشته است که از کدام آیت و کدام سوره است. من با درست نگرستن به آنها و با کمک آیت یاب توانستم دوتای آنها را پیدا کنم یکی از آنها تفسیر آیت ۱۶۸ سوره آل عمران است و بسیار نزدیک به آنچه در نسخه فاتح (برگ ۱۶۹ عکس ۴۶۷۴ دانشگاه)

گذشته از اینکه از يك سوی بایستی با قواعد زبان‌شناسی و دستور زبان فارسی آشنا بود و از تاریخ زبان فارسی آگاهی داشت و از سوی دیگر با دانشهای پیوسته به تفسیر همانها که دروازجکی در آغاز برشمرده است آنچنان که طبری و زمخشری و جشمی و طبرسی و طوسی و ابوالفتوح رازی و شهپور اسفراینی و سورابادی و میبدی و دیگران در نگارشهای خود گنجانده‌اند سروکار داشت ناگزیر بایستی به همه نسخه‌های آن سرکنشی کرد و به نکته‌هایی که در آنها هست برخورد و به جداییها که از هم دارند نگریست و از سنجش آنها نتیجه علمی گرفت. این جداییها را هم دوسبب است یکی اینکه این تفسیر املاء است و شنوندگان انجمن درس استاد روی آمادگیهای ذهنی گوناگون که هر يك داشته‌اند و اختلاف درجه فهم سخنان استاد و چیزهای دیگر آن را گوناگون می‌نوشته‌اند. این کاری است که بهره‌برندگان از درس استاد در آکادمیها و دانشگاهها و مدرسه‌ها می‌کنند. دیگر تصرفاتی که نویسندگان نسخه‌ها در طول تاریخ در نسخه‌ها کرده‌اند. پس با گذشت روزگار تحولی در این تفسیر رخ داده است و باید کوشید با نگاه به نسخه‌های گوناگون و ژرف نگریستن بدانها به آن نگارشی دست یافت که هرچه بیشتر به نگارش اصلی یا املاء درست دروازجکی نزدیک باشد.

دیباجه و پایان آن نوشته است که این دفتر از روی روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی ساخته و پرداخته میان ۵۱۰ و ۵۵۶ یا اندکی پیش از ۵۴۷ یا ۵۵۲ با افزوده‌هایی به نگارش درآمده و هیچ نامی از رازی در آن نیست همچنان که فتح‌الله کاشانی در منهج الصادقین از گازر گرفته است ولی او از رازی و گازر یاد کرده است (ص ۴۹۵ جلد ۱۰ چاپ محدث)

تفسیر گازر به گواهی نسخه ۹۵۶۰ دانشگاه بایستی پیش از ۲۸ دی ۸۲۸ و به گواهی نسخه ۱۲۹۶ سنا (۲: ۲۱۵) پیش از ۸۴۶ و به گواهی یکی از نسخه‌های محدث (ش ۱۴ ص ۶۲ دیباجه او) پیش از ۸۹۴ به نگارش درآمده باشد. پس گازر از دانشمندان شیعی سده هشتم و نهم خواهد بود.

در دانشگاه تهران نسخه‌ای است به شماره ۲۷۶۲ نوشته ۹۶۸ (۱۰: ۶۲۲) که تفسیر نیمه دوم است و من آن را تفسیر دروازجکی پنداشته بودم و او را هم شیعی گمان بردم چون نشانه‌های تشیع در نسخه دیده‌ام شاید برای اینکه دیدم این نسخه هیچ يك از تفسیرهای کهن دیگر نیست و در آن شعرهای فارسی شیوایی است و با سخنانی از دانشمندان دیرینه ما این نسخه را اینك با نسخه‌های شماره ۲۰ آستان رضوی نوشته ۹۷۷ از مریم تا پایان قرآن و نیمه دوم و شماره ۲۱ همانجا از آیت ۲۶ شعراء تا سوره ملك آن هم نیمه دوم (فهرست فیلمها: ۱: ۱۷۵ فیلم ۱۰۹۵ عکس ۳۱۳۷ تا ۳۱۴۴ و فیلم ۸۲۵ عکس ۴۱۲۸) یکی می‌پندارم. به گواهی سنجش با نسخه ملك این نسخه‌ها از دروازجکی نخواهد بود و در فهرست آستان رضوی هم چنین چیزی نوشته‌اند. چون درباره نسخه شماره ۲۰ در این فهرست آمده است که شاید «تفسیر سید گازر استاد زواری» باشد همین مرا واداشت که آنها را با تفسیر گازر در برخی جاها بسنجم همه اینها را همانند می‌پندارم. گذشته از افزوده‌هایی که در آغاز و انجام تفسیر سوره‌ها و جاهای دیگر در تفسیر گازر هست. خوب است کسی اینها را باهم بیشتر و درست‌تر بسنجد بلکه بتوانند این سه را درست بشناسد، در این سه روش سنی آشکار است ولی تفسیر گازر سراپا شیعی است. آیا کسی از سنیان از تفسیر دروازجکی و جز آن گزینی کرده و خود تفسیری ساخته و سپس گازر گرگانی شیعی از آن برداشته است، پس نوشته گازر با نگارش رازی چه پیوندی خواهد بود. امید که آیندگان پرده از این راز بردارند.

سخنی درباره تصحیح این تفسیر

در پایان این را باید گفت که در تصحیح این تفسیر گرانبها

قضاوت‌های